

ایل بختیاری

— در دوره‌ی قاجار —



— آرش خازنی —

— ترجمه‌ی شهلا طهماسبی —



ایل بختیاری

— در دوره ی قاجار —



ایل بختیاری

— در دوره‌ی قاجار —



— آرش خازنی —

— ترجمه‌ی شهلا طهماسبی —



Tribes & Empire On the Margins of Nineteenth-Century Iran

Arash Khazeni

ایل بختیاری

در دوره‌ی قاجار

آرش خازنی

ترجمه‌ی شهلا طهماسبی

ویرایش: تحریریه‌ی نشر مرکز، فاطمه المودی

حروفچینی: نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۳۰۰، شماره‌ی نشر ۱۳۲۲، ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۳۳۳-۲

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۳۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

www.nashremarkaz.com

Email: info@nashr-e-markaz.com

 nashremarkaz

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوکپی،
کتاب الکترونیکی (e-book)، کتاب صوتی (Audio book) و ضبط و ذخیره در سیستم‌های
بازایی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

● سرشناسه خازنی، آرش Khazeni, Arash ● عنوان و نام پدیدآور ایل بختیاری در دوره‌ی قاجار / آرش خازنی، ترجمه‌ی
شهلا طهماسبی ● مشخصات ظاهری هشت ۴۱۶ ص:، مصور، جدول، نقشه، نمونه ● یادداشت عنوان اصلی: Tribes and
Empire On the Margins of Nineteenth-Century Iran؛ کتاب حاضر نخستین بار با عنوان ضروری تاریخی بر
روابط بختیاری‌ها و حکومت در عصر قاجار توسط محمود پراتوندر ترجمه و منتشر شده است؛ کتابنامه، ص ۳۴۷-۳۷۲؛
همچنین به صورت زیرنویس، نمایه ● موضوع بختیاری، رابطه با دولت تاریخ — قرن ۱۳ ق، وضع اجتماعی، قبایل و نظام
ایله‌ای، ایران، اسکان ارضی، اصفهان (استان)، زاگرس، منطقه قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۳۴ ق، سیاست و حکومت، روابط قومی
● شناسه افزوده طهماسبی، شهلا، ۱۳۳۱-، مترجم ● ردمندی کنگره ۷۲ DSR ● ردمندی دیوئی ۹۷۶ / ۹۵۵

● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۸۶۶۷۳۲۹

نشر مرکز از کاغذ یارانه‌ای استفاده نمی‌کند

برای دانا

آ.خ

فهرست

۱	 سپاس‌گزاری
۵	 فهرست اختصارات آرشیوها، مجموعه‌ها و متون
۷	 یادداشت مترجم
۹	 پیش‌گفتار
۲۷	 ۱: در حاشیه‌ی ایران قرن سیزدهم
۷۷	 ۲: شهر اصفهان و پشت‌کرانه‌ی آن
۱۰۷	 ۳: راهی به درون کوهستان
۱۵۵	 ۴: در میدان‌های نفتی
۲۱۷	 ۵: طوایف بختیاری در انقلاب مشروطیت ایران
۲۶۳	 جمع‌بندی کلی
۲۷۳	 یادداشت‌ها
۳۴۷	 کتاب‌شناسی
۳۷۳	 نمایه

سپاس‌گزاری

برای تألیف این کتاب به بسیاری مدیون شده‌ام. بخش تاریخ دانشگاه ییل برایم محیطی فراهم آورد که توانستم در مورد گذشته مطالعه کنم و بنویسم. به‌خصوص از عباس امانت سپاسگزارم که مرا به‌عنوان شاگرد خود پذیرفت و تاریخ دوره‌ی صفویان و قاجاریان را به من آموخت. اطلاعات دایرةالمعارف‌گونه‌ی پروفیسور امانت در مورد اوایل دوره‌ی معاصر و دوره‌ی معاصر تاریخ ایران، برخورد خلاقانه‌ی او با فن تاریخ و سخاوتمندی‌اش در آموزش دانشجویان خود، تأثیری ماندگار بر من گذاشته است. جان دِموس از ابتدا در این پروژه شرکت داشت و از او به‌خاطر یاری در موضوعی که بسیار از حوزه‌ی کارش دور بود، سپاس‌گزارم. بینش او در مورد تاریخ‌نگاری و روایت‌گری برای من بسیار ارزشمند بوده است. این کتاب محصول برنامه‌ی مطالعات ارضی در [دانشگاه] ییل و از مصداق‌های «دگرگونی در نواحی روستایی جهان در دوره‌ی معاصر» است. از جیمز سی. اسکات به‌خاطر دوستی‌اش و نشان‌دادن راه‌های نزدیک‌شدن و دستیابی به تاریخ غالباً پنهان مردمی که کوچ می‌کنند، متشکرم. سپاس‌های ویژه نیز نثار کی منسفیلد در [برنامه‌ی تحقیقاتی] «مطالعات ارضی» به‌خاطر گشاده‌دستی و حمایت راسخ او.

من توفیق برخورداری از اظهارنظرهای یاری‌گر دوستان و همکارانی را نیز داشتم، از جمله جان گِرنی، حوری پِربریان، محمد توکلی طُرقی، وِنِسا

مارتین، هوشنگ شهابی، ژانت آفاری، علی قیصری، ماگنوس برنهاردسن، مریدو رای، دیوید یعقوبیان، نیکی کدی، رودی متی و صبح اصلانیان، که دست‌نوشته‌ها و بازنویسی‌ها را خواندند. در نیوهمپتون از دوستی و تشویق همکلاسی‌هایم از جمله فرزین وجدانی، تامس مکداو، جنیفر بویتین، جوناتان پادو، آدرین لنتز-اسمیت و کریستین لنتز برخوردار شدم. در کلرمونت کالجز همکارانم از من بی‌دریغ حمایت کردند، از آن میان پردیس مهدوی، لارا دیب، دایانا سلیگ، جوناتان پتروپولوس، ادوارد هیلسی، دیوید یو، آرتور روزنباوم، بسام فرنجه، ماری-دنيس شلتن، فازیلا آتیل، بانی اسنورتام، مارک مسعود، عثمان آکسوی، شهریار شهریار، زین قسام، و درو گلدنی. از میان شاگردانم در کلرمونت کالجز از لایلا ناظمیان، دنیل یوسف تهرانی، جاشوا شنایدر، سوفی سونگ، کیارا دوگان و جمل دربالی امتنان ویژه دارم.

در پژوهش‌های لازم برای این کتاب، در قسمت‌های مختلف دانشگاه ییل، از جمله در گروه تاریخ، شورای مطالعات خاورمیانه، مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی، و مرکز هاوارد لامار برای مطالعات مرزها و سرحدات از پشتیبانی سازمانی منتفع شدم. این کمک‌های آموزشی امکان جست‌وجو در بایگانی‌های ایران و ایالات متحد، هم‌چنین در مجموعه‌های ایالات متحد را برایم فراهم کرد. کتاب‌داران و مسئولان آرشیو در سازمان اسناد ملی و کتابخانه‌ی ملی ایران، دانشگاه اصفهان، آرشیوهای ملی بریتانیا، مدرسه‌ی مطالعات آفریقایی و آسیایی دانشگاه لندن، کتابخانه‌ی اداره‌ی هند، آرشیوهای بریتیش پترولیوم، کتابخانه‌ی فایرستن در دانشگاه پرینستون، کتابخانه‌ی وایدنر در دانشگاه هاروارد، و مجموعه‌های ویژه‌ی یوسسی‌ال‌ای همه بی‌اندازه یاری‌گر و مفید بودند. به‌ویژه مدیون کمک‌های کیانوش کیانی هفت‌لنگ در مدت استفاده از آرشیوهای ملی در تهران هستم. از میان دوستان و پژوهشگران در ایران از عبدالمهدی رجایی، الهام ملک‌زاده، سکندر امان‌اللهی، سید فرید قاسمی و کاوه بیات تشکر می‌کنم. هم‌چنین از نیکی کدی به خاطر توجه دادن من به آلبوم عکس‌های ایزابلا برد در مجموعه‌های ویژه یوسسی‌ال‌ای

ممنونم. از سیلویستر سیگورا و بن رویاس به خاطر زحماتی که برای ترسیم نقشه‌ها متحمل شده‌اند متشکرم. هم‌چنین از کمک‌های مالی کلرمونت مک‌کنا کالج برای تولید نقشه‌ها و عکس‌ها قدردانی می‌کنم.

مایکل داکوئرت، بَٹ فاگِت، مریلین ترویلاد، و تامس آیکمناز در انتشارات دانشگاه واشینگتن در طول مراحل چاپ دست‌نوشته را از سر لطف دیدند. هم‌چنین مایلم از دو خواننده به خاطر مطالعه‌ی دست‌نوشته و لیندا رابِن به خاطر ویرایش آن سپاس‌گزاری کنم. فصل ۳ در مه ۲۰۰۵ در کنفرانس «راه‌های ارتباطی و ماشین‌رو: حیات اجتماعی شبکه‌های حمل‌ونقل» دانشگاه واشینگتن ارائه شد. از لیزا میچل، لین تامس، رودلف مرازک و سایر شرکت‌کنندگان در کنفرانس به خاطر اظهارنظرهاشان ممنونم. صورت اولیه و متفاوت فصل ۵ کتاب در نشریه‌ی *مطالعات تطبیقی درباره‌ی جنوب آسیا، آفریقا و خاورمیانه‌ی* دانشگاه دوک چاپ و منتشر شده است. از مادرم فرح به خاطر صبر و بردباری و همه‌ی ساعاتی که درباره‌ی تاریخ ایران با من گفت‌وگو کرد سپاس‌گزارم. عمیق‌ترین قدرشناسی‌هایم نثار قبیله‌ی محبوبم: لیسلا، آیدن و دانا. این کتاب به خاطر آن‌ها به‌وجود آمد و امیدوارم به‌نحوی زمان‌هایی را که از آن‌ها دور بودم جبران کند.

فهرست اختصارات آرشیوها، مجموعه ها و متون

BNA/FO	British National Archives, London
BP	British Petroleum Archives, University of Warwick, Coventry, UK
CAM	Cambridge University, Manuscripts and Archives, Cambridge, UK
CHI	University of Chicago, Regenstein Library, Middle East Collection, Chicago
HAR	Harvard University, Widener Library Archives, Cambridge MA
IOR	British Library, India office Records, London
PRGS	<i>Proceedings of the Royal Geographical Society</i>
PRI	Princeton University, Firestone Library, Near East Collection School of Oriental and African Studies Archives, London
SOAS	University of California, Los Angeles, Special Collections,
UCLA	Los Angeles

آرشیو دانشگاه اصفهان (کتابخانه‌ی مرکزی)	آدا
تاریخ بختیاری، سردار اسعد و عبدالحسین خان لسان السلطنه‌ی سپهر	ت ب
تاریخ متظم ناصری، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه	ت م ن
خوزستان و لرستان در عصر ناصری، خانلر میرزا احتشام الدوله	خ ل
روضه‌الصفای ناصری، رضاقلی خان هدایت	ر ص ن
سازمان اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران)	س ا م
سازمان میراث فرهنگی ایران	س م ف ا
سفرنامه‌ی خوزستان، عبدالغفار نجم‌الملک	س خ
کتابخانه‌ی ملی ایران	ک م ا
مرآت‌البلدان، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه	م ب
نسخ‌التواریخ، میرزا محمدخان لسان‌الملک سپهر	ن ت

یادداشت مترجم

برای پرهیز از آشفتگی در مورد تاریخ‌گذاری‌ها و افزودن معادل قمری یا در موارد نادر شمسی به تاریخ میلادی وقایع ذکر شده در کتاب حاضر، در مواردی که موضوعات تکرار شده‌اند، فقط بار اول معادل قمری ذکر شده است. در صورتی که موضوع به اروپاییان ارتباط نداشته، فقط تاریخ قمری آمده است. در صورتی که تمرکز بحث بر اروپاییان بوده باشد، تاریخ میلادی ابتدا و بعد از علامت / تاریخ قمری آمده است.

قطعات یا عبارات منقول از منابع اروپایی در کتاب، ولو پیش‌تر به فارسی ترجمه شده باشند، مستقلاً در این جا ترجمه شده‌اند و از ترجمه‌های پیشین استفاده نشده است.

توضیحات در متن که در دو قلاب آمده و پانوشت‌ها از مترجم است. از خانم فاطمه اله‌وردی، ویراستار محترم نشر مرکز که نکاتی چند را که از نظر دور مانده بود، تکمیل کرده‌اند و در یافتن منابعی چند یاری نموده‌اند، قدردانی می‌کنم.

پیش‌گفتار

موضوع این کتاب تأثیر متقابل حکومت و ایل در حاشیه‌ی ایران در دوره‌ی قاجار است. بررسی تاریخ اتحادیه‌ی ایلی بختیاری در رشته‌کوه زاگرس در قرن سیزدهم ق/ نوزدهم م که در طول آن، توازن میان مرکز و حاشیه^۱ برای همیشه دگرگون شد. صفحاتی که در پی می‌آید براساس وقایع‌نگاری‌ها، تاریخ‌ها، قوم‌نگاری‌ها و دست‌نوشته‌های قرن سیزدهم تنظیم شده است و طرح‌های شاهانه برای توسعه‌ی زمین بایر و لم‌یزرع^۲ و مستقر کردن طوایف کوچنده‌ی شبانی در ایرانِ دوره‌ی قاجار را می‌کاود. پس از بررسی چگونگی سربرآوردن بختیاری‌ها در اوایل قرن سیزدهم در حاشیه‌ی کوهستانی شهر اصفهان، نقش راه‌سازی، اکتشاف نفت، و انقلاب مشروطیت در کاهش قدرت و استقلال عمل ایلی در این دوره را تشریح می‌کند.

در این صفحات رویکرد به تاریخ ایران در قرن سیزدهم از کناره‌ی/ حاشیه‌ی آن صورت پذیرفته است — در این جا منظور از حاشیه، چادرهای بختیاری‌ها و رشته‌کوه زاگرس است و تاریخ ایلی را در کانون داستان حکومت شاهنشاهی [ایران] و ادغام [سیاست همگون‌سازی اقلیت‌ها با اکثریت] قرار

1. periphery

2. wildland

3. edge

می‌دهد. تلاش برای تهیه ی این نوع گزارش درباره ی ایران دوره ی قاجار به‌ندرت صورت گرفته است. جز چند استثنا، اکثر ادبیات این دوره بر مرکزیت فرهنگی و سیاسی تأکید دارند. اما این پژوهش به طوایف چادر نشین و نیمه‌چادر نشین حاشیه‌ای پرداخته است. سؤال این است که چگونه توازن میان حکومت و ایلات، و مرکز و حاشیه در ایران قرن سیزدهم دگرگون شد؟ در دوره ی قاجار (ش ۱۱۶۴-۱۳۰۴/ ق ۱۱۹۹-۱۳۴۴/ م ۱۷۸۵-۱۹۲۵)^۱، ویژگی کنش متقابل حکومت و ایل تغییر کرده بود و خودمختاری جوامع شبانی به واسطه ی طرح‌های توسعه طلبانه‌ای که سرزمین‌ها [ی ایلی] را گشود و رعایای بومی را در «ممالک محروسه ی ایران» تحلیل برد، از بین رفته بود. با این وصف، ایلات در استحاله ی محیط زیست و جامعه ی خود، منفعل نبودند. این طرح‌های توسعه طلبانه در پشت کرانه‌ها^۲ / پس کرانه‌های ایران همواره با مقابله، مصالحه و درگیر شدن با حاشیه ی ایل نشین همراه بوده است.

ایلات و حکومت شاهنشاهی

در اوایل قرن سیزدهم / نوزدهم تقریباً نیمی از جمعیت ایران کوچنده بود. [۱] جوامع کوچنده ی شبانی از نظر سیاسی در ایلات (ایل، طایفه، عشیره، قبیله) متشکل شده بودند و سرزمین‌های وسیعی را برای چراگاه‌های فصلی (بیلاق، قشلاق) متعلق به خود می‌دانستند. آن‌ها از حقوق عرفی چرا و ایل‌راه^۳ برخوردار بودند و دسته‌ای از حاکمان بومی، شامل رؤسای دائمی اتحادیه (ایل‌خان، ایل‌بیگ)، رؤسای موروثی طایفه (خان)، رؤسای تیره‌ها و شاخه‌ها (کدخدا، کلانتر) و بزرگان اردوگاه و «ریش‌سفیدها» بر آن‌ها حکومت می‌کردند. [۲] دولت قاجار به ضرورت، ایلات را واحدهای سیاسی

۱. آغاز رسمی حکومت قاجاریان، تاجگذاری آقامحمدخان، رمضان ۱۲۱۰ قمری مطابق با ۱۷۴۹ میلادی است.

2. hinterland

۳. مسیر ایل برای کوچ/کوچ‌راه.

نیمه‌خودمختار به‌شمار می‌آورد و در مناطق ایل‌نشین مسئولیت مالیات‌بندی و سربازگیری را به خان‌ها و رؤسا واگذار کرده بود. رضایت خان‌ها معمولاً با دریافت قطعه زمینی که به آن تیول گفته می‌شد، جلب می‌شد، و به این ترتیب اداره‌ی قلمرو ایلات به‌نحو غیرمستقیم به ایشان واگذار می‌شد. [۳] دولت حاکمیت غیرمستقیم بر حاشیه داشت و سیاست پایداری برای استقرار دائمی طوایف در کار نبود. طوایف اسماً تبعیت از قاجاریان را پذیرفته بودند، خدمات نظامی عرضه می‌کردند، مالیات سبکی می‌پرداختند و در عین حال خودمختاری قابل ملاحظه‌ای فراتر از مرزهای قلمرو حکومت داشتند. با این که ایلات تحت سیاست کنترل سستی حکومت بودند، از جمله سربازگیری تنبیهی و کوچ دادن اجباری، اتحادیه‌های قدرتمند ایلی در حواشی قلمرو پادشاهی رشد کردند.

ایلات در پشت‌کرانه‌های ایران، نیمه‌مستقل و خارج از محدوده‌ی اقتدار و سلطه‌ی حکومت بودند. ایلات مرزنشین عبارت بودند از ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، کردها و شاهسون‌ها که اگرچه از لحاظ جغرافیایی در حواشی به‌سر می‌بردند، از قدیم‌الایام با شهرهای فلات ایران و فرهنگ و تمدن آن‌ها ارتباط متقابل داشتند. آن‌ها در مرزهای ایران می‌زیستند اما همه جز شاهسون‌ها، برخلاف اکثر جمعیت ایران، سنی‌مذهب ماندند. در دوره‌ی قاجار، طوایف ترکمن از جمله یموت، گوکلان، تیکه، سالور، و ارساری در ایالت‌های شمال شرقی، استرآباد و خراسان، و در استپ‌های مشهور به ترکمن‌صحرا سکونت داشتند. بلوچ‌ها طایفه‌ای هندوایرانی بودند که در مشرق ایران در ولایت سیستان، ارتفاعات مکران و مرزهای هند و افغانستان می‌زیستند. کردها در رشته‌کوه‌های زاگرس در غرب ایران، نزدیک کرمانشاه، در حاشیه‌ی امپراتوری عثمانی و عراق به‌سر می‌بردند. اتحادیه‌ی شاهسون‌های ترک‌تبار در مرز شمال غربی پیرامون دشت مغان سکونت داشت.

ایلات پشت‌کرانه‌ای تشکیل می‌شدند از اتحادیه‌های ایلات قشقایی و بختیاری در جنوب. قشقایی‌ها اتحادیه‌ای ترک‌زبان بودند، چادر می‌زدند

است. نظام ایلاتی در ایران موضوعی است که در گذشته به خصوص در میان مردم شناسان جذابیت پژوهشی بسیار داشت. در نیمه‌ی اول قرن بیستم، قوم‌نگاری چند ایل توسط پژوهشگران ایرانی صورت گرفت و در دهه‌ی ۱۳۴۰/۱۹۶۰ مردم‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی غربی به پژوهش درباره‌ی جماعات ایلی بزرگ ایران پرداختند. [۶] محققانی چون فردریک بارث، لوئیس بک، ژان پیر دیگار، جن گرتویت، ویلیام آیرونز، برایان سپونر، پیر ابرلینگ و ریچارد تاپر، قوم‌نگاری‌های تازه‌ای در مورد ایلات مختلف حاشیه‌ی ایران به عمل آوردند. [۷] ایل باصری نوشته‌ی فردریک بارث،^۱ پژوهشی پیشگامانه در مورد انطباق زندگی شبانی با محیط زیست طبیعی بود. بارث در قوم‌نگاری باصری‌ها ابتدا به توصیف واحدهای چادر، طایفه، ایل، و اتحادیه پرداخته بود و سپس جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و جمعیت‌شناختی محیط زندگی شبانی در ایالت فارس در جنوب ایران را بررسی کرده بود. بارث در چادرنشینان جنوب ایران کاری پیشگام ارائه کرد که طلایه‌دار ظهور ادبیاتی نو درباره‌ی جماعات کوچنده‌ی شبانی خاورمیانه بود. [۸] پس از بارث پژوهش‌های مردم‌شناختی دیگری در مورد قشقای‌ها، بختیاری‌ها، شاهسون‌ها و سایر ایلات ایران انجام شد.

در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰/۱۹۸۰، دو تک‌نگاری بااهمیت در مورد طوایف بختیاری پدید آمد: قوم‌نگاری توسط ژان پیر دیگار و اثری تاریخی توسط جن گرتویت. دیگار در *فنون کوچ‌نشینان بختیاری*^۲ (۱۹۸۱/۱۳۵۹)، و مقالات دیگری که نقطه‌ی عزیمتشان تئوری سلسله نسب تقطیعی^۳ است،

1. Fredrik Barth, *Nomads of South Persia: The Basseri Tribe of the Khamseh Confederacy* (Oslo, 1961)

ترجمه‌ی کاظم ودیعی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳.

2. Jean Piere Digard, *Techniques des nomads baxtyari d'Iran* (Paris, 1981).

فنون کوچ‌نشینان بختیاری، ترجمه‌ی اصغر کریمی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

3. segmentary lineage

برخلاف تصویر نسب‌مدار و تساوی‌طلب بارث از ایل باصری، شاخه‌های گوناگونی از طوایف بختیاری یافته بود که قدرت برابر نداشتند و در سلسله‌مراتب اجتماعی قابل توجهی جا گرفته بودند. *فنون کوچ‌نشینان بختیاری*، تحلیلی مارکسیستی با تأکید بر تقسیم کار، شیوه‌های تولید، و دسترسی نابرابر به منابع از طوایف ارائه می‌دهد. به نظر دیگر، زمین و تقسیم آن به ایجاد ساختارهای متمرکز و تقسیم طبقات در میان بختیاری‌ها انجامیده بود. [۹] با این وصف، او اعتباری برای تاریخ قائل نشده و عملاً منابع پژوهشی مکتوب در مورد بختیاری‌ها را بی‌استفاده گذاشته بود. اثر گرثویت، *بختیاری در آئینه تاریخ*^۱، به بازیابی بسیاری از متون تاریخی بختیاری یاری رساند. [۱۰] این تئنگاری ضمیمه‌ای شامل یک مجموعه دست‌نوشته‌ی چاپ‌نشده نیز دارد که ترجمه‌ی آن‌ها را ارائه کرده است. قابل توجه‌ترین این اسناد «کتابچه»^۲ حسین قلی‌خان، رئیس ایل بختیاری در اواخر قرن سیزدهم است. *بختیاری در آئینه تاریخ* با تأکید بر روابط رؤسای طوایف و دولت از دوره‌ی صفویان (۹۰۵-۱۱۳۵) تا انقلاب اسلامی، یک تاریخ تمام و کمال از ایل بختیاری ارائه می‌دهد. گرثویت در تاریخ قوم‌شناسانه‌ی پیش‌تاز خود در مورد خان‌های بختیاری راه را برای پژوهش‌های بیشتر در تاریخ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایلات ایران باز کرد.

کوششی جدیدتر در نوشتن تاریخ ایلاتی، اثر تاپراست: *تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان*^۳. ارزش اثر قوم‌شناسانه و بلندپروازانه‌ی تاپر

1. Gene Garthwaite, *Khans and Shahs: A Documentary Analysis of the Bakhtiari in Iran* (London, 1983)

ترجمه‌ی مهرباب امیری، تهران، نشر آژان و نشر سهند، ۱۳۷۵.

۲. دفتر خاطرات حسین قلی‌خان ایلخانی از سال ۱۸۷۸/۱۲۹۵ که ناصرالدین‌شاه احکام مختلف از جمله حکم انتصاب به سمت «ناظم» برای او صادر کرده بود.

3. Richard Tapper, *Frontier Nomads of Iran: A Political and Social History of the Shahsevan*, (Cambridge, 1977).

ترجمه‌ی حسن اسدی، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۴.

در مورد شاهسون‌های شمال غربی ایران، در ترکیب کار میدانی و پژوهش تاریخی است. تاریخ سیاسی اجتماعی فصل مشترک تاریخ و مردم‌شناسی است و تاپر برای دستیابی به ریشه‌ها و تاریخ شاهسون‌ها، اطلاعات قوم‌شناسی و منابع دست‌اول فارسی و اروپایی را با هم تلفیق کرده است. [۱۱] اما برای تدوین یک تاریخ ایلاتی درخور، به ایجاد منابع مکتوب بیشتر نیاز است. هم‌چنین به نظر می‌آید زمان آن رسیده که بحث‌های خشک و تنگ‌نظرانه در مورد تعریف ایل، تاریخ ایلاتی و هویت ایلاتی که بر ادبیات موجود تفوق دارد، کنار گذاشته شود. علوم اجتماعی اغلب جای کمی برای پدیدارشدن روایت واقعی تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایلات ایران باقی می‌گذارد. به‌خصوص برای درک روابط متقابل حکومت و ایل در قرن سیزدهم براساس مطالعه‌ی کامل منابع مکتوب و غنی فارسی و اروپایی در دسترس نیاز به رویکردی عقلانی احساس می‌شود. با این که در دو دهه‌ی اخیر اُفت آشکاری در تمایلات پژوهشی غربی‌ها در حوزه‌ی ایلات وجود داشته، که بخشی از آن به رواج تاریخ‌نگاری ملی در حوزه‌ی مطالعات ایرانی در جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، پژوهشگران فعالیت زیادی در تولیدات قوم‌نگارانه و تاریخی ایلات بختیاری، بویراحمدی، لر، قشقایی، کرد، شاهسون، و ترکمن داشته‌اند [۱۲]. چاپ این ادبیات به‌علاوه‌ی مواد و منابع دست‌اول فارسی، ارزشی پایدار در پژوهش‌های قوم‌شناسی و ایلاتی در ایران به‌بار می‌آورد.

مرکز و حاشیه در تاریخ‌نگاری دوره‌ی قاجار

این کتاب کوششی است برای تألیف تاریخ قرن سیزدهم ایران «از کناره»، و در پی تمرکززدایی از تاریخ‌نگاری‌ای است که بر نخبگان شهری، سیاسی و مذهبی تأکید داشته و روایت تاریخی موضوعات بومی مربوط به ایران دوره‌ی قاجار را مسکوت گذاشته است. در تحقیقات مربوط به دوران اولیه‌ی

تاریخ معاصر ایران، یعنی دوره صفویان، افشاریان و زندیان، توجه ویژه‌ای به بی‌ثباتی و ناپایداری سلسله‌ها در قرن دوازدهم، درگیری میان مرکز و حاشیه و حکومت و ایلات توسط لارنس لاکهارت، آن لمبتون، جان پری، و این اواخر، کاترین بابایان درباره زوال قزلباش در اثری پرتکلف به نام *صوفیان، فرمانروایان و ناجیان: چشم‌اندازهای فرهنگی در اوایل دوره تاریخی معاصر ایران*^۱، شده است. [۱۳] پژوهشگران دوره قاجار با غبارزدایی از قرن آشوب‌زدهی دوازدهم، از ترک حفاظی که پایتخت جدید ایران، یعنی تهران، فراهم آورده بود، اکراه داشته‌اند و عمدتاً مجذوب این مرکز سیاسی شده‌اند: دنیای شاهان، دربار، وزیران، و علمای اعلام. به این ترتیب موضوع پراکندگی قومی و ایلاتی حکومت قاجار در گزارش‌های مربوط به دگرگونی دولت در ایران قرن سیزدهم مغفول می‌ماند. بیشتر این پژوهش‌ها تاریخ‌هایی سیاسی بوده‌اند که عمدتاً به ساختار و طرز کار حکومت مرکزی توجه داشته‌اند. [۱۴] به‌رغم این گرایش تاریخ‌نگارانه، آثاری از تاریخ ایلاتی در دوره قاجار در کارهای لمبتون، گوین همبلی، نیکی کدی، عباس امانت و افسانه نجم‌آبادی ظاهر شده است. [۱۵] از جمله، در کارهای اخیر ونسا مارتین و هایدی والش، در میان دیگران، حاشیه‌ی حکومت قاجار موقعیتی محوری یافته است. [۱۶] پژوهشگران تاریخ عثمانی، با جست‌وجو در آرشیوهای استانبول و جاهای دیگر، ادبیاتی غنی درباره تاریخ منطقه‌ای و ولایتی خلق کرده‌اند که پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی امپراتوری عثمانی همراه با تاریخ‌های مستند ایلات را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های قابل توجه اما دیر هنگامی نیز در مورد تاریخ عثمانی انجام شده است. [۱۷] کارهای جولیا کلنسی - اسمیت در مورد مغرب،^۲ بشری دومانلی در مورد فلسطین، دینا رزق‌خوری درباره‌ی موصل و اوژن راگن در مورد ماورای اردن بخشی از این مطالعات است که

1. Kathrin Babayan "the waning of the Quzilbash", *Mystics, Monarchs and Messiahs: Cultural Landscapes of Early Modern Iran* (Cambridge, 2002).

۲. ناحیه‌ای در شمال آفریقا مشتمل بر طرابلس غرب و تونس و الجزایر و مراکش.

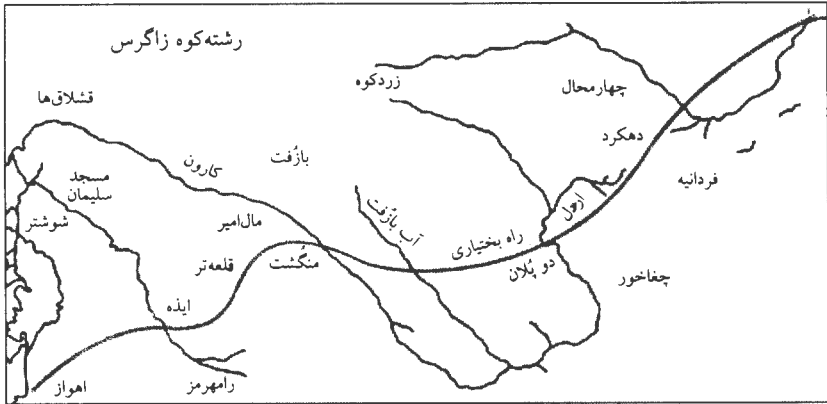
بخش‌های مختلف قلمرو عثمانی را با جزییات مبسوط توصیف کرده‌اند. [۱۸]
کتاب حاضر با بررسی دگرگونی و استحاله‌ی پشت‌کرانه‌ای ایلاتی در ایران
قرن سیزدهم، در ارائه‌ی این ادبیات در حاشیه‌ی امپراتوری‌های اسلامی
شرکت جسته است.

این پژوهش هم‌چنین با ارائه‌ی تاریخ حاشیه‌ی حکومت شاهنشاهی
قاجار و رعایای بومی آن، به تکمیل تواریخ در حال رشد «از پایین»
خاورمیانه^۱ به روش ای. پی. تامپسن و دیگران می‌پردازد. [۱۹] انسان از یاد
می‌برد که شمار وسیعی از اتباع قاجاریان کوچنده بوده‌اند زیرا بیشتر منابع
مکتوب موجود به جمعیت استقرار یافته و شهرنشین اشاره دارند. [۲۰] با این
وصف، مطالعه‌ی نقادانه‌ی این منابع آرای‌ی در مورد رویارویی‌های حکومت
قاجار و ایلات حاشیه‌نشین ایران ارائه می‌کند. روابط متقابل حکومت و
ایلات را مذاکره و بده‌بستان^۲ مدام تعیین می‌کرد. همان‌طور که رودی متی
در *سیاست تجارت در ایران عصر صفوی*^۳ خاطرنشان کرده است، اقتدار
دولت ایران «حاصل مذاکراتی بود که بین قدرت مرکزی و غالب با قدرت
محلی و سرکش حاشیه‌ای صورت می‌گرفت. [۲۱]» در سرتاسر مملکت بین
تمرکز و عدم تمرکز و بین عناصر مرکز‌گرا و مرکز‌گریز توازن خاصی برقرار
بود. حاشیه‌ی ایلاتی خارج از دسترس جغرافیایی حکومت مرکزی که فقط
می‌توانست از طریق خان‌ها و رعایایشان بر آن اعمال اقتدار کند، واقع شده
بود. وقایع‌نگاری‌های دولتی و تاریخ‌های ایلاتی دوره‌ی قاجار حاکی از این
مصلحه‌ها و سازش‌ها بین حکومت و ایلات بود.

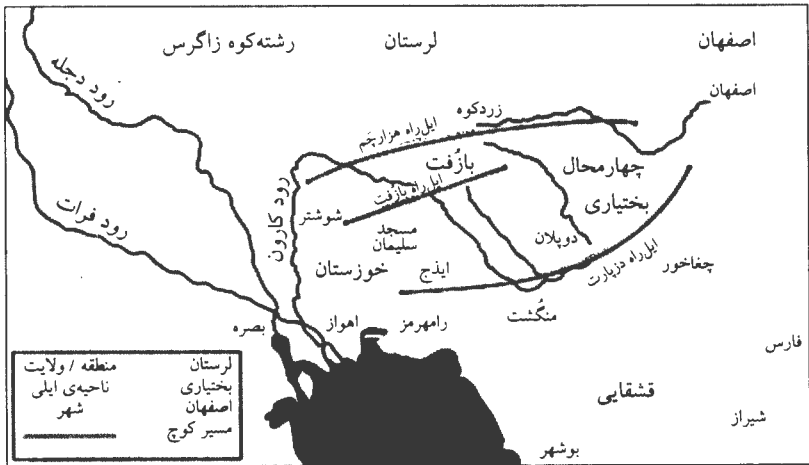
1. histories of the middle east "from below"

2. Rudi Matthee, *The Politics of Trade in Safavid Iran [Silk for silver, 1600-1739]* (Cambridge, 1999)

رودالف پی. متی، *سیاست تجارت در ایران عصر صفوی*، ابریشم در برابر نقره، ۱۶۰۰-۱۷۳۰، ترجمه‌ی
مانی صالحی علامه، تهران، فرهنگ جاوید، ۱۳۹۷.



اصفهان و پشت کرانه ی بختیاری



ایل راه ها / کوچ راه های ایل بختیاری

در جنوب غرب ایران، رشته کوه های زاگرس سدی طبیعی در مقابل دخالت دولت به وجود آورده بود. در سراسر قرن سیزدهم، حضور دولت در کوه های غرب اصفهان از طریق تماس با اتحادیه ی ایل بختیاری تحقق می یافت. این روند سازگاری بین مرکز و حاشیه، بین حکومت توسعه طلبانه و خودمختاری

ایلی تا اواخر قرن سیزدهم و بحبوحه‌ی تجاوزهای امپراتوری بریتانیا به رشته‌کوه‌های زاگرس ادامه یافت. طرح‌های توسعه‌طلبانه / امپریالیستی بریتانیا در صورت لزوم از طریق خان‌های بختیاری و اتباعشان که در ناحیه‌ی کوهستانی بین رود کارون و اصفهان از قدرت قابل توجهی برخوردار بودند، تحقق می‌یافت. مواد آرشیوی بریتانیا که به بختیاری‌ها مربوط می‌شود، از گزارش‌های کنسولی گرفته تا مطالعات و توافق‌نامه‌ها، گواه استمرار این مذاکره‌ها میان دولت شاهنشاهی بریتانیا و طوایف زاگرس است. در عین حال این مواد واقعه‌ی گشایش خاک بختیاری و آغاز روند متمرکز کردن را که موجب دگرگونی حاشیه‌ی کوهستانی ایران عصر قاجار شده، ثبت کرده‌اند. این‌ها اسناد و گزارش‌های تغییر شکل توسعه‌طلبی^۱ در قرن سیزدهم در دنیای طبیعی و محیط‌زیست رعایای بومی است.

اهلی کردن سرزمین‌های بکر

در اواخر قرن سیزدهم، مفهوم متفاوتی از محدودیت‌های جهان طبیعی آرام‌آرام در بخش‌هایی از ایران عصر قاجار پدیدار شد. این تغییرات ناشی از رویارویی امپریالیسم با طبیعت بود. رشد امپراتوری‌های مدرن متمرکز قدرتمند که به روش‌های علمی اکتشاف مجهز بودند و مطالعه و نقشه‌برداری آخرین نقاط کره‌ی زمین، باعث تغییر در شیوه‌های ساخت‌وساز و استفاده از محیط زیست شد. در طول قرن نوزدهم [میلادی] امپراتوری‌های اروپایی و اسلامی فعالانه به معرفی و کنترل سرزمین‌های بکر و استقرار در آن‌ها و متمدن کردن جماعات بومی پرداختند. نقشه‌های چاپی، قوم‌نگاری‌ها و سفرنامه‌ها، دگرگونی در محیط زیست طبیعی را نشان دادند. همان‌گونه که جان ریچاردز در *مرز بی‌پایان*^۲ اشاره کرده است: «انباشت دریافت‌های علمی و پیشرفت‌های فنی میل به مداخله در جهان طبیعی را برانگیخت... مأموریت

1. imperial

2. John Richards, *The Unending Frontier* (2003)

نهایی متمدن کردن را اکتشاف، شناخت و کنترل مکان‌های بکر کره‌ی زمین تشکیل داد. [۲۲]

طبقه‌بندی کوه‌ها، دشت‌ها، بیابان‌ها، رودها، اقیانوس‌ها، گیاهان، جانوران، و آدم‌های روی زمین در جاهای مختلف متفاوت بود و به محیط زیست و جوامع آن‌ها بستگی داشت. به عبارت دیگر به واسطه تأثیر متقابل حکومت و مناطقی که می‌خواست متمدن کند، موضوعاتی روشن شد. این نکته در حکومت *مختصان*^۱ نوشته‌ی تیموتی میچل نشان داده شده است. در پژوهش بحث‌انگیز میچل تواریخ مرتبط با طرح‌های آبیاری از طریق رود نیل، گسترش بیماری‌های مسری و بروز جنگ و قحطی در مصر قرن بیستم، در نقد ارتباط علم و طبیعت درهم تنیده است. به گفته‌ی میچل، طرح‌ها و برنامه‌های علمی در ترکیب با «آنچه طبیعت و جهان مادی نامیده می‌شود» خلق شده بودند [۲۳]. علاوه بر این مفهوم «اهلی کردن عناصر قدرتمند طبیعت» ساخته و پرداخته شد. میچل درخصوص احداث سد عظیم آسوان می‌نویسد: «در تمایز طبیعت و علم، ساخت و ساز و نمادپردازی، رودی که می‌بایست رام می‌شد و تخصصی که بعد مدعی رام کردنش شد، می‌توانیم هر قدر که می‌خواهیم، حادثه ضمنی، نیروی طبیعی و قوه جبری به‌گنجانیم که به ازهم‌پاشیدن اثر نهایی چیزی که خلق شده بود انجامید. طراحی و مهندسی سد، درهم ریخته و مغشوش، پر از تعارض و بی‌نظم و الله‌بختی بود.» [۲۴]

پژوهش حاضر درباره‌ی گشایش مناطق ایلاتی در ایران در قرن سیزدهم نیز بی‌ثباتی ناشی از طرح‌های توسعه‌طلبانه در خاورمیانه را مطرح می‌کند. با این وصف ادعا نمی‌کند که طبیعت آن چه ساخته یا تولید شد صرفاً طرح‌های حکومت شاهنشاهی بود. این کتاب با طبیعت به‌عنوان «معلول» یا «پی‌آمد» ناشی از تغییرات علمی برخورد نمی‌کند [۲۵]. استقرار، متمدن شدن و بازیابی محیط زیست طبیعی از جمله شاخص‌ترین تغییراتی بود که در اواخر دوره‌ی

قاجار رخ داد. دگرگونی فضا‌های طبیعی تنها تخیل نبود و به طرز کاملاً ملموس و واقعی عادات زندگی در کوهستان‌ها، دشت‌ها و مرداب‌ها را از پایه و اساس دگرگون کرد. حکومت اسلامی ماقبل مدرن در ایران به سبب برآمدن از اصلیت‌های ایلاتی، به جوامع کوچنده‌ی شبانی و گروه‌های قومی خودمختاری داده بود. با این وصف حکومت قاجار در طول قرن سیزدهم قدرت خود را تثبیت کرد و موفق شد خودمختاری ایلات را بی‌آن‌که کاملاً از بین ببرد، کاهش دهد. در ضمن طرح‌های اکتشافی بریتانیایی‌ها در زوال قدرت و استقلال اتحادیه‌های ایلی مانند بختیاری‌های زاگرس سهم داشت. تشکیل دولت^۱، امپریالیسم و ادغام در اقتصاد جهانی، محیط زیست و جامعه را در کناره‌های دوردست ایران قرن سیزدهم دگرگون کرد.

در نیمه‌ی قرن سیزدهم، طرح‌های مدرن توسعه‌طلبانه که با اعطای امتیاز به بیگانگان آغاز شده بود به نواحی داخلی و پس‌کرانه‌های کشور رسیده بود. گردآوری اطلاعات جغرافیایی و قوم‌شناختی به شکل متون چاپی به کنترل محیط زیست و جامعه منجر شد. با ورود تلگراف در سال‌های ۱۲۶۷-۱۲۷۷/ دهه‌ی ۱۸۵۰، ولایات به‌نحو کامل به تهران، پایتخت قاجاریان و ماورای آن متصل شدند. امتیاز بدنام رویتز در سال ۱۲۸۹/ ۱۸۷۲ مبشر توسعه‌ی مدرن محیط زیست و منابع آن از طریق احداث راه‌آهن، آبراه‌ها و استخراج معادن بود. در ۱۳۰۴/ ۱۸۸۸، کشتی‌رانی در رود کارون، که به موازات دجله و فرات جاری است، امکان گشایش رود به روی تجارت بین‌المللی، تسهیل تجارت، ارتباطات و گسترش اقتصاد جهانی به داخل ایران را فراهم کرد. به همین ترتیب، احداث راه بختیاری یا راه لینچ از میان کوه‌های زاگرس در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۱۶/ دهه‌ی ۱۸۹۰، گسترش روابط تجارتي و توسعه‌طلبی در مناطق دورافتاده و اقامتگاه‌های فصلی (ییلاق- قشلاق) ایلات کوچنده‌ی شبانی را ممکن ساخت. این اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی قرن سیزدهمی/ نوزدهمی در کوه‌های زاگرس با اکتشاف نفت توسط بریتانیایی‌ها در اواخر دوره‌ی

قاجار به اوج رسید. در مجموع آن‌ها به نحو بی‌سابقه‌ای کوشیدند محیط‌های طبیعی و منابعشان را در منطقه تحت کنترل درآورند. علاوه بر این، طرح‌های توسعه‌طلبانه‌ی قرن سیزدهم و گسترش اقتصاد جهانی در زوال و افول اقتصاد شبانی ایران دوره‌ی قاجار سهم داشت. نتیجه‌ی این دگرگونی، همان‌گونه که مارکس در نیمه‌ی قرن نوزدهم بیان کرد، بیگانگی انسان از طبیعت بود: «همه‌ی روابط مستحکم و پابرجا و ثابت با قطار تعصبات و عقاید کهن و مقدسشان از میان می‌رود. هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود.» [۲۶] جریان پیشرفت علمی و اقتصاد جهانی پایه‌های مادی روابط میان جوامع و محیط زیست را تحلیل برد و از نو بازسازی کرد.

وقایع‌نگاری‌ها، قوم‌نگاری‌ها، و تاریخ‌های قبیله‌ای

برای ورود به تاریخ دگرگونی‌های توسعه‌طلبانه در حاشیه‌ی ایران قرن سیزدهم مجموعه‌ای از منابع مکتوب در دسترس است. بنای این کتاب بر مطالعه‌ی اسناد رسمی در مجموعه بایگانی‌های ایران و ممالک متحد^۱، هم‌چنین منابع چاپی، متون و نشریات قرن سیزدهم گذاشته شده است. این منابع شامل وقایع‌نامه‌های رسمی و فرهنگ‌های جغرافیایی، تاریخ‌های ایلاتی و شجره‌نامه‌ها، دست‌نوشته‌ها و ادبیات قوم‌شناختی می‌شود که بر روابط متقابل ایل و حکومت در ایران در طول این قرن پرتو افکنده‌اند. گرچه من از بختیاری‌ها در بیلاقشان دیدن کرده‌ام و کوه‌های زاگرس را گشته‌ام، اساس این پژوهش بر متون دوره‌ی قاجار استوار است.

وقایع‌نامه‌های فارسی منابع بهره‌برداری‌نشده‌ی تاریخ ایلات و تفاوت‌های فرهنگی در ایران دوره‌ی قاجارند. پژوهشگران پیشین، وقایع‌نامه‌ها را برای بررسی اوضاع دربار، نخبگان سیاسی و مذهبی و ساختار حکومت مرکزی کاویده‌اند. با این وصف تواریخ قرن سیزدهم ایران نشانگر آگاهی از تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای‌اند که در سرتاسر مملکت شاهنشاهی

۱. United Kingdom، سازمانی سیاسی متشکل از انگلستان، اسکاتلند و ایرلند شمالی.

پدید آمد. وقایع‌نامه‌های قاجاری مانند *روضه‌الصفای ناصری* نوشته‌ی رضاقلی‌خان هدایت، *ناسخ‌التواریخ*، نوشته‌ی میرزا محمدتقی لسان‌الملک، *مرآة‌البلدان / مرآت‌البلدان* و *تاریخ منتظم ناصری*، نوشته‌ی محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، هم‌چنین تاریخ‌های محلی مانند *فارستمه‌ی ناصری*، حاوی گستره‌ای از اطلاعات در مورد طوایف ایران در دوره‌ی قاجارند [۲۷].

مفیدترین متن دوره‌ی قاجار برای موضوع این کتاب، *تاریخ بختیاری* بوده است، یک تاریخ ایلاتی و شاید نخستین قوم‌نگاری به زبان فارسی. این متن کار مشترک علی‌قلی‌خان سردار اسعد و عبدالحسین لسان‌السلطنه‌ی سپهر و عده‌ای دیگر است و در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸/۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱ به نگارش درآمده است. لسان‌السلطنه‌ی سپهر در سال ۱۳۲۷ دیباچه‌ای بر تاریخ طوایف بختیاری نوشته است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

خداوندی را پرستش سزااست که تاریخ گذشتگان را تبصره آیندگان فرمود و اخبار سلف را تذکار خلف، و درود فراوان ارمغان آستان پیمبران و جانشینان باشوکت و شأنش که هریک سرگذشتشان ما را بهترین اندرز و بوستان ما را ثمری پرمغز است.

سپس این بنده‌ی روسیاه عبدالحسین لسان‌السلطنه ملک‌المورخین می‌نگارد؛ در این سال خیریت مأل تخاقوی‌نیل ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م که سال سوم مشروطیت مملکت ایران است، بفرموده‌ی یگانه وزیر باتدبیر و فرزانه امیر کشورگیر، صاحب السیف و القلم و حامی ممالک فرس و دیلم، نگاهبان ایران و پشتوان ایرانیان، جناب امنع اشرف قواماً لِّلْعَزِّ وَالْإِقبال تَطاماً لِّلشُّوْکَةِ وَالْإِجلال حاجی علی‌قلی‌خان سردار اسعد وزیر جنگ، فرزند مرحوم حسین‌قلی‌خان ایلخانی بختیاری مشغول نوشتن تاریخ و جغرافیای بختیاری شده، به‌حمدالله تعالی به این خدمت بزرگ نائل گردیده، از لحاظ انوار می‌گذرد.

باشد که این ره‌آورد خُرد در حضرت آن دستور بزرگ مطبوع و مقبول افتد

و این کتاب مستطاب را موسوم به «تاریخ بختیاری» نمودم تا به پابندگی جهان نام این دودمان باقی و برقرار بماند. این دعا از من و جبرئیل امین، امین باد^۱ [۲۸].

دست‌نوشته‌ی اصلی **تاریخ بختیاری** شامل ۶۰۰ صفحه‌ی چاپ سنگی به‌اضافه‌ی نقل قول‌هایی از وقایع‌نامه‌های رسمی فارسی و ترجمه‌ی بخش‌هایی از قوم‌نگاری‌های غربیان در قرن نوزدهم است. بخش‌های دیگر کتاب از مطالب اصلی تشکیل می‌شوند و اختصاص دارند به تواریخ شفاهی و اطلاعات جغرافیایی درباره‌ی ایلات از جمله اشاراتی به تشکیلات بختیاری‌ها، امور اجرایی و آداب و سنن. **تاریخ بختیاری** نمایی از ایران دوره‌ی قاجار از کناره‌ی آن عرضه می‌کند، کنش متقابل مکرر طوایف با حکومت مرکزی در قرن سیزدهم را به ترتیب زمانی ثبت می‌کند، هم‌چنین نقش عمده‌ای را که آن‌ها در احیای مشروطیت در تهران ایفا کردند.

در این پژوهش مواد آرشیوی و مجموعه‌های سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، آرشیوهای دانشگاه اصفهان، آرشیوهای ملی بریتانیا، آرشیوهای بریتیش پترولیوم، کتابخانه‌ی اداره‌ی هند، دانشگاه کمبریج، مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، دانشگاه هاروارد، دانشگاه پرینستون، دانشگاه شیکاگو، و دانشگاه کالیفرنیا مورد مراجعه قرار گرفته‌اند.

در آرشیوهای ملی ایران رشته‌ای از اسناد مربوط به طوایف بختیاری در دوره‌ی قاجار نگه‌داری می‌شود از جمله مکاتبات، بررسی‌ها و گزارش‌هایی از مقامات ولایتی و کارگزاران. در کتابخانه‌ی ملی تهران و آرشیوهای دانشگاه اصفهان به نشریات و روزنامه‌هایی از دوره‌ی قاجار مراجعه کردم که ایلات و طوایف ایران را از دیدگاهی شهری نشان می‌دادند. از جمله‌ی آن‌ها **روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه**^۲، **فرهنگ اصفهان**، **روزنامه‌ی دولت علیه ایران**، **ثریا**، **کشکول**،

۱. این متن عیناً از ص ۴۵ کتاب نام‌برده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ نقل شده است.

۲. روزنامه‌ای است که در ۱۲۶۷ به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر به مباشرت ادوارد برجس انگلیسی انتشار یافت و پس از چند شماره به صورت هفتگی منتشر شد. در ۱۲۷۷ مدیریت آن به

حبل المتین، ملا نصرالدین، جهاد اکبر، اصفهان، انجمن مقدس اصفهان، و زاینده رود را نام می‌برم.

این کتاب هم‌چنین از منابع گوناگون اروپایی بهره جسته است، شامل دست‌نوشته‌های آرشیوهای ملی بریتانیا، کتابخانه‌ی بریتانیایی، مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی، و آرشیوهای بریتیش پترولیوم. علاوه بر این‌ها، از سفرنامه‌های چندین تن از سیاحان و قوم‌نگاران غربی استفاده شده است. محدودیت این نوع از نوشته‌های اروپاییان در مورد «شرق» و بی‌اعتباری ادبیات غربی در مورد جهان اسلام در نقد نوآورانه‌ی ادوارد سعید از شرق‌شناسی مطرح شده است [۲۹]. در عین حال، منابع اروپایی در مورد ایلات در ایران قرن نوزدهم حاوی اطلاعاتی ارزشمندند و نمی‌توان از آن‌ها دست کشید. اما باید با دقت و احتیاط انتخاب‌شان کرد و با دید انتقادی خوانند و مفهوم پنهان در متن را بازیافت. این مواد توافق‌ها و معامله‌های را که در شالوده‌های روابط حکومت-ایل نهفته است پدیدار می‌کنند.

کتاب حاضر براساس این مجموعه منابع فارسی و اروپایی در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول، «در حاشیه‌ی ایران قرن سیزدهم»، روابط متقابل بین طوایف بختیاری و اولین شاهان قاجار در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم را می‌کاود. بختیاری‌ها در عین این‌که به حکومت خدمت نظامی عرضه می‌کردند، مالیات می‌پرداختند و در مقابل عملیات نظامی قاجاریان شکننده بودند، به طرز قابل ملاحظه‌ای خودمختار باقی ماندند و خارج از محدوده‌ی سلطه‌ی دائمی حکومت قرار داشتند. فصل ۲، «شهر اصفهان و پشت کرانه‌ی آن»، پیوندهای پیچیده بین مرکز، ولایت اصفهان و طوایف کوه‌نشین حاشیه‌ای در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۷-۱۲۹۷/ دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ را پی‌گیری می‌کند. در این سال‌ها اتحادیه‌ی ایلی بختیاری منسجم

→ صنع الملک واگذار شد و به صورت مصور با نام *روزنامه‌ی دولت علیه ایران* انتشار یافت. بعدها به نام *روزنامه‌ی ایران* انتشار یافت. *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*، ناصرالدین پروین، جلد اول، پیدایش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۱۳۶-۱۴۳.

بود و در زمان رئیس پرصلابت خود، حسین قلی خان، به اوج قدرت رسید و از مجوز حکومت غیرمستقیم بر طوایف از طریق پیوندهای نزدیک و ارتباطات مختلف با ولایت اصفهان برخوردار بود. فصل ۳، «راهی به درون کوهستان»، به بررسی برنامه‌ریزی و احداث راه تجارتی از میان کوه‌های مضرس بختیاری توسط بریتانیایی‌ها در دهه‌ی ۱۳۰۷-۱۳۱۷/۱۸۹۰ و تأثیر آن بر طوایف و جماعات محلی می‌پردازد. بریتانیایی‌ها ساختن این راه را، که از مسیری بسیار صعب عبور می‌کند، تلاش در جهت متمدن کردن و غلبه بر نتراشیدگی و نخراشیدگی ایران قرن سیزدهم قلمداد می‌کردند. فصل ۴، «در میدان‌های نفتی»، به کندوکاو تاریخ فرهنگی و اجتماعی اکتشاف نفت در سرزمین ایلاتی بختیاری می‌پردازد و تاریخ اولیه‌ی شرکت نفت ایران و انگلیس و بهره‌برداری تجاری از منابع طبیعی کوه‌های زاگرس را شرح می‌دهد. کتاب با فصل ۵، «طوایف بختیاری در انقلاب مشروطیت ایران»، که به شرکت قاطع و تعیین‌کننده‌ی بختیاری‌ها در انقلاب مشروطیت ۱۳۲۴-۲۷ و ادغام آن‌ها در سیاست و زبان موطنشان ایران پرداخته است پایان می‌یابد. این روایت، بیانگر دیدگاهی درباره‌ی تشکیل دولت، توسعه‌طلبی، و جذب و همگونی ارضی در حاشیه‌ی ایلاتی ایران در قرن سیزدهم است. محل وقوع آن سرزمین‌های دست‌نخورده‌ی کناره‌های اصفهان است و به بررسی تلاش‌های سلسله‌ی قاجار برای توسعه‌ی استقرار [طوایف]، جمع‌آوری مالیات و برقراری نظم اسمی دولت در میان طوایف بختیاری می‌پردازد، در زمانی که امپراتوری بریتانیا به کوهستان‌هایشان، که زمانی غیرقابل دسترس بود، تجاوز می‌کند. طرح‌های توسعه‌طلبانه‌ی بریتانیا از قبیل گردآوری اطلاعات جغرافیایی و قوم‌شناسی، راه‌سازی و اکتشاف نفت قدرت و استقلال بختیاری‌ها را کاهش داد. این طرح‌های قرن سیزدهمی، طوایف کوچنده‌ی شبانی حاشیه‌ی ایران دوره‌ی قاجار را در یک قلمرو توسعه‌طلب گسترده‌تر و در اقتصاد جهانی جذب کرد.